



بولتن تخصصی

شماره ۲ / دی ۱۴۰۱

اتاق نارنجی

O R A N G E R O O M

فیلمی درباره

خشونت

مردسالارانه

یادداشتی از آلیسون ویلمور



هدف

غیرممکن

آیا عنکبوت مقدس یک فیلم اپوزیسیون است؟



هدف غیرممکن

آیا عَنكَبُوتِ مُقَدَّسِ یک فیلم اپوزیسیون است؟

استادیار دانشگاه تهران

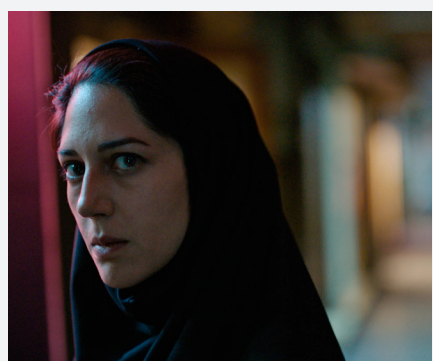
پیام فروتن

علی عباسی در نشست خبری فیلم عنکبوت مقدس درباره تلاش خود برای ساخت این فیلم در ایران گفته است: "من تلاش کردم که فیلم را در ایران بسازم. من به جایی که به آن وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی گفته می‌شود رفتم... و با آن‌ها جای خوردم.. و به آن‌ها گفتم به جز چند صحنه، این فیلم نامه ماست و حاضر بودم با آن‌ها کنار بیایم و فیلم را در ساختار قانونی و سانسور ایران بسازم. هرچند گفتم هیچ‌گاه سانسور را تایید نمی‌کنم اما به نظرم کنار آمدن با آن ارزشش را داشت چون آن وقت واقعیت شهر مشهد را داشتیم و واقعیت آن جا را لمس می‌کردم. آن‌ها گفتند چه افتخاری است که شما به کشورتان برگشتید و چه فیلمساز بزرگی و.. به شما خبر می‌دهیم و یک سال گذشت و از آن‌ها پرسیدم چه شد و گفتند بیا یک لیوان دیگر جای بخوریم و آن جاست که می‌فهمید یعنی "نه!"

است. پس نمی‌تواند حضوری این چنین را تعمیم بدهد و از آن پاسخی نمادگرایانه به دست دهد.

۴ - آیا تعدی جنسی به خبرنگار (زهرا امیر ابراهیمی) در محل کار پیشین او، یک کشف تازه به شمار می‌رود؟ بازهم پاسخ خیر است! امروزه کمتر فیلمی در سینمای ایران می‌یابیم که از این دست رویدادها بی‌بهره باشد! فیلم‌هایی که اتفاقا مجوز هم می‌گیرند و به صورت کامل رسمی به اکران در می‌آیند. پس بازهم عباسی رویکرد رویکرد عجیب و غریبی از خود به نمایش نگذاشته است.

۵ - می‌ماند مسئله فقر جاری در اجتماع! سال‌ها است بسیاری از فیلمسازان وطنی به این رویکرد پرداخته و می‌پردازند. تا جایی که اصطلاح "سیاه‌نمایی" در بدنه سینمای ایران پدید آمده است. با این حال، غالب این فیلم‌ها مجوز گرفته و اکران شده‌اند.



صحنه‌ای از فیلم عنکبوت مقدس، علی عباسی.

یک حوزه ممنوعه نبوده و پرداختن به آن از سوی مسئولان فرهنگی مشکلی نداشته است. تا جایی که حتی نمونه وطنی آن هم ساخته شده است.

۲ - وجود فساد، روسپیگری و مسائل اجتماعی از این دست حتی در شهرهای مذهبی ایران، آیا امری کتمان شده است که پرداختن به آن بتواند اثر را به حوزه فیلم اپوزیسیون وارد سازد؟

اگرچه مسئولان همواره سعی کرده‌اند، حجم این معضل اجتماعی را کمتر از آن چه هست نشان دهند؛ اما هیچگاه به کتمان آن نپرداخته‌اند. تعداد بسیار مقالات علمی پژوهشی که در همین رابطه نوشته و منتشر شده‌اند، گواهی بر این ادعا است. حتی می‌توان به سمینارهای متعددی که در همین رابطه برگزار شده و می‌شوند اشاره کرد. از جمله نشست مشکلات زنان و رفتارهای پرخطر با تمرکز بر تن‌فروشی که با حضور مینو محرز، ژاله شادی‌طلب، ناهید خداکرمی و هما داوودی در مرکز مطالعات و تحقیقات زنان در کمتر از یک دهه قبل برگزار شد اشاره کرد.

۳ - حضور یک عنصر نامطلوب و غیراخلاقی در بدنه مسئولان - مانند افسر پرونده - آیا می‌تواند بیانیه‌ای علیه کل یک تمامیت سیاسی و حکومتی باشد؟ بازهم پاسخ منفی است! عنکبوت مقدس، یک فیلم به شدت رئالیستی

اما آیا فیلم، به جز چند صحنه که در بخش دیگری درباره اش صحبت خواهیم کرد و اصولا بزرگ‌ترین نقطه ضعف فیلم هم به شمار می‌روند - از مورد خاصی برای سانسور برخوردار بوده است؟ به زعم من، ابا نه! آن چه عنکبوت مقدس به تصویر می‌کشد دقیقا همان چیزی است که سال‌ها در سینمای مجوزدار و حمایت‌شونده ما شاهدش بوده‌ایم! اتفاقا اگر من جای مسئولان ممیزی وزارت ارشاد بودم، با عباسی کنار می‌آمدم (همان‌طور که او قرار بود کنار بیاید) و حتی از او حمایت هم می‌کردم. چرا؟! بیائید در رابطه با فیلم چند سوال بنیادین را مطرح کنیم و به آن‌ها پاسخ دهیم تا به پرسش نهایی و هدف این نوشتار برسیم.

۱ - آیا در بسیاری از فیلم‌های دیگر جهان سینما، با موضوع تبعات جنگ، مسئله کهنه سربازانی که با مشکلات روحی روانی دست و پنجه نرم می‌کنند و گاه دست به جنایت می‌زنند بر نمی‌خوریم؟ قطعاً بله. فیلم‌هایی از جمله شکارچی گوزن، همخون، اولین خون و یکی از بهترین نمونه‌ها: راننده تاکسی مارتین اسکورسیسی.

پس توجه به شخصیتی که در جنگ ایران و عراق شرکت کرده و حالا دست به پاکسازی جامعه می‌زند، دلیلی بر ورود به

به رغم آن که عباسی ظاهرآ قرار بوده است یک فیلم "ضدنظام" بسازد، فیلمی در نمایش بدوی بودن، انجماد فکری و تجرتوده ایرانی‌ها ساخته است.

بدین ترتیب است که فیلم، از مدار یک اثر ظاهراً معترض اجتماعی خارج می‌شود و از مولفه‌های هرزه‌نگاری برخوردار می‌شود! در همین رابطه جاستین آدامز می‌گوید: "اگر به محتوایی [جنسی] برخورد کنیم که از آن به گونه‌ای استفاده می‌کند که زیبایی و منطق آن را حفظ نمی‌کند - حتی اگر پیام خوبی را تبلیغ کند - بسیاری از کسانی که در نمایش آن نقش داشته‌اند مرتکب گناهی نابخشودنی شده‌اند" [۲] بی‌تردید، صحنه‌هایی از این دست در فیلم علی عباسی نه از زیبایی‌شناسی پولانسکی‌وار برخوردارند (بگذریم از این که فیلم، یک اثر بسیار نازل و بی‌بهره از بدیهی‌ترین چهارچوب‌های سینمایی است) و نه اصولاً ضرورتی برای نمایش آن‌ها وجود داشته است.

منابع:

1 - www.publish.iupress.indiana.edu/read/sexuality-in-the-movies/section/1dd2ebe0-5cb9-45e0-a548-1676d0882fdf

2 - www.thetwocities.com/culture/art/movies-sex-and-gore-oh-my-morality-and-objectivity-in-art

لارنس بکر در همین رابطه اظهار می‌دارد: "جنسیت نباید مورد سوءاستفاده قرار گیرد. بلکه باید به عنوان یک عنصر "طبیعی" در کلیت یکپارچه اثر به نظر برسد. برهنگی، نباید اجباری یا غیرمنطقی باشد؛ بلکه باید در هر فیلم به یک ضرورت تبدیل شود. هر تلاشی برای ساخت و نمایش رابطه جنسی، نوعی استثمار و بهره‌کشی به شمار می‌آید. ساخت یک فیلم کامل حول محور جنسیت صریح تا حد بسیار زیادی استثمارگرانه است؛ زیرا در چنین مواردی کل فرایند فیلمسازی، به یک تدبیر برای نشان دادن رابطه جنسی روی پرده تبدیل می‌شود. نمایش عریان مسائل جنسی در فیلم، تنها به میزانی مشخص و تنها برای بیان یک روایت ارگانیک مشروع است" [۱] عنکبوت مقدس، تلاش دارد به یک بحث اخلاقی مهم بپردازد. بخشی از این فرایند اخلاقی، معضل بهره‌کشی جنسی است. اما آیا خود، با نمایش به شدت عریان این‌گونه صحنه‌ها که هیچ لزومی هم ندارند و در ساختار اثر (اگر آن را اثر بدانیم) نمی‌نشینند و بیرون می‌زنند، دست به یک ویرانگری اخلاقی نمی‌زند و آیا به استثمار بازیگران خود نمی‌پردازد؟! حتی یکی از بهترین نمونه‌های این رویکرد - *ماه تلخ* رومن پولانسکی - نیز این پرسش مهم را پیش می‌کشد. در حالی که فیلم تلاش دارد یک وضعیت اخلاقی را مطرح سازد، همسر جوان خود پولانسکی (امانوئل سنیه) در فیلم به ایفای نقش پرداخته و صحنه‌های این چنینی را رقم می‌زند!



صحنه‌ای از فیلم *ماه تلخ*، رومن پولانسکی.

غیر از پرسش‌های یاد شده چیز دیگری باقی نمی‌ماند تا به نقطه عطف فیلم می‌رسیم. بحث محاکمه و اعدام متهم. جایی که جالب توجه‌ترین رویکرد فیلم رقم می‌خورد. قاتل به رغم حمایت هم‌زمانش، برخی همشهریانش و... حکم اعدام می‌گیرد و حتی طرح فرار او نیز با بن بست روبرو می‌شود و در نهایت عدالت اجرا می‌شود. بدین ترتیب، آن چه در فیلم به نمایش درمی‌آید، یک قوه قضائیه باز (نگاه کنیم به سکانس گفت‌وگوی خبرنگار با قاضی پرونده در دفتر او که قاضی را در چهره‌ای موجه به تصویر می‌کشد) که تحت تاثیر سفارشات، پیشینه و سابقه رزمندگی و... قرار نمی‌گیرد و عدالت را اجرا می‌کند. اما در مقابل آن چه روی می‌دهد، نگاه و جهان‌بینی توده مردم است. کسانی که با اقدامات قاتل همسو بوده و حتی به او لقب قهرمان می‌دهند! بدین ترتیب، به رغم آن که عباسی ظاهراً قرار بوده است یک فیلم "ضدنظام" بسازد (نگاه کنیم به حضور او با جامه و گرمی نامتعارف در جشنواره هامبورگ)، فیلمی در نمایش بدوی بودن، انجماد فکری و تجرتوده ایرانی‌ها ساخته است. او بدون تعارف، قاتل و عملکرد او را در کنار مردمی که او را ستایش می‌کنند، قرار داده و به تطهیر قوه قضائیه جمهوری اسلامی ایران پرداخته است.

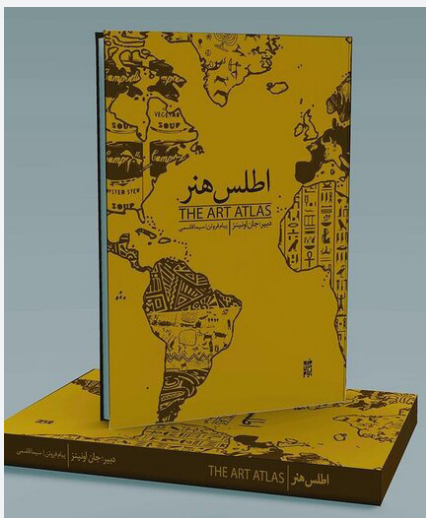
بدین ترتیب است که با فیلمسازی روبرو می‌شویم که نه از جهان‌بینی درستی برخوردار است و نه شناخت عمیقی از مردمش دارد. مگر آن که واقعا هدف او همان چیزی بوده باشد که عنوان کردیم.

یک عنصر "طبیعی"!

این که سینمای متعارف تا چه حد می‌تواند وارد میدان نمایش صحنه‌های جنسی شود، همواره محل مجادله و مناقشه بوده است.

به نحوی از نزدیک فیلمبرداری شده‌اند که صورت‌های قرمز قربانیان و پاهایشان بتوانند به اندازه کافی مورد توجه واقع شوند. این اولین فیلمی نیست که سعی می‌کند لذت خود را در خشونت، به ویژه علیه زنان، در پس مضامین صریح‌تر و بزرگ‌تر پنهان کند. اما وقتی این مضامین درباره ساختارهایی باشد که بستر این خشونت را فراهم می‌کنند، تمام کارزننده به نظر می‌رسد.

منبع: وولپر، ۲۸ اکتبر ۲۰۲۲



Carwan
Dourandich

*\Graphic Designer]

Instagram:
@Carvvan

LinkedIn:
/Carvvan



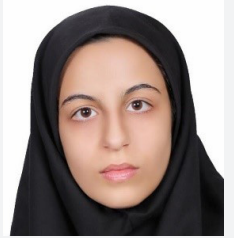
مدیر بولتن: پیام فروتن
طراح هنری: کاروان دوراندیش
حامی مالی: میلاد قلیچ

ORANGE ROOM

کلیه حقوق معنوی بولتن متعلق به پیام فروتن بوده و هرگونه کپی‌برداری و استفاده از مطالب آن منوط به کسب اجازه کتبی از وی می‌باشد.

کارگران جنسی، به ویژه آن‌هایی که مواد مخدر مصرف می‌کردند، پرداخت. حنایی پیش‌تر موضوع مستندی بود که سال ۱۳۸۱ - همان سالی که او به دار آویخته شد - منتشر شد. اخیرا نیز الهام‌بخش دو فیلم‌نامه شده است. یکی *عنکبوت قاتل* ساخته ابراهیم ایرج‌زاد که سال ۱۳۹۹ با تایید دولت در ایران فیلم‌برداری شد و دیگری *عنکبوت مقدس* که در اردن و با آزادی بیشتر فیلم‌برداری شد. از جمله حضور زر امیرابراهیمی، که سال ۱۳۸۷ از ایران گریخت، به‌عنوان بازیگر نقش اول و قاب‌هایی که به صراحت این قتل‌ها را به زن‌ستیزی اجتماعی و مذهبی مرتبط می‌کند. مفهومی که ضروری و به‌جا است، اما اجرای آن به قدری به‌هم‌ریخته است که کلیت فیلم را بی‌تاثیر باقی می‌گذارد.

نیمی از فیلم حول محور قاتل با بازی مهدی بجستانی می‌گردد و به ازدواجش با فاطمه (فروزان جمشیدنژاد) که حامی اوست، هویت او به عنوان جانباز جنگ ایران و عراق، حسرت شهادت، نقش او به عنوان پدري فداکار برای دو دختر خردسالش و چهره‌ای اندک خشن برای پسرش علی (مصباح طالب) می‌پردازد. *عنکبوت مقدس* سعی دارد سعید را به عنوان هیولایی که جامعه آن را ساخته به تصویر بکشد، تضادی تمام‌عیار میان یک زندگی خانوادگی به ظاهر ایده‌آل و یک سرگرمی خوفناک. اما او در واقع چیزی بیش از یک شخصیت جنایتکار نیست. یک مرد خانواده به ظاهر عادی که ظاهر آرام انگیزه‌های قتل او را پنهان می‌کند. چیزی که فیلم باید با آن آغاز می‌شد، در واقع تنها در سکانس آخر دیده می‌شود: واکنش محافظه‌کاران مذهبی که از سعید به‌عنوان قهرمان پاکسازی خیابان‌ها استقبال می‌کنند و اصرار دارند که او هیچ اشتباهی در قتل زنان "فاسد" انجام نداده است. اما مانند هر فیلم جنایی مورد استقبال دیگری، علاقه اصلی *عنکبوت مقدس* به خود قتل‌ها است که



فیلمی درباره خشونت مردسالارانه

آیسون ویلمور ترجمه: بهار دانیاری

هنگامی که ماه گذشته، سریال جفری دامر ساخته رایان مورفی برای اولین بار پخش شد، با طوفانی از انتقادات مواجه شد که چگونه داستان‌گویی قربانی محور آن توانسته است در عین رویایی جلوه دادن قاتل زنجیره‌ای، اعضای خانواده قربانیان را در معرض آسیب روحی مجدد قرار دهد. همچنین مشخص شد که این یکی از پربیننده‌ترین سریال‌هایی است که نتفلیکس تا حال ساخته است. چه می‌شود کرد؟! داستان‌های جنایی واقعی می‌توانند ظاهری معتبر داشته باشند، با موضوع خود از زوایای نو و متفاوت برخوردار کنند و به مضامین وسیع‌تری دست یابند؛ اما این ژانر دارای شالوده‌ای فاسد است که هرگز از بین نخواهد رفت. فارغ از پیامی که سازنده فیلم ممکن است قصد رساندن آن را داشته باشد؛ ساده‌انگاری خشونت به‌عنوان انگیزه‌ای کاملاً طبیعی و انسانی و حتی خوشایند، نقطه فروش این فیلم‌هاست و به راحتی قابل حذف نیست.

عنکبوت مقدس فیلمی جنایی در ظاهر یک فیلم هنری است که فارغ از تلاشش برای چیزی بیشتر از "یک داستان جنایی" بودن، خیلی زود به خشونت و جنایت می‌رسد. فیلم، زنانی را نشان می‌دهد که یکی پس از دیگری از خیابان‌های شهر مشهد به خانه قاتل برده شده و سپس با دست یا روسری خود خفه می‌شوند. قاتل، یک کارگر ساختمانی به نام سعید حنایی است که از تابستان سال ۱۳۷۹، به مدت یک سال به قتل زنجیره‌ای